

مجله پژوهش‌های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷

مقایسه رسم المصحف و رسم الاملاء*

دکتر علی اکبر ربیع نتاج

استادیار دانشگاه مازندران

علی تفریحی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

چکیده

شیوه نگارش مخصوص قرآن کریم به «رسم المصحف» معروف است. این شیوه از همان زمان آغازین کتابت قرآن کریم حفظ شده است و علت اصلی آن نیز شدت اهتمام مسلمانان به حفظ قرآن و نگرانی آنها از وقوع تحریف در الفاظ و دچار شدن آن به سرنوشت کتب آسمانی گذشته بوده است. این شدت عنایت و توجه تا جایی بوده است که عده‌ای رسم الخط قرآن را توقیفی دانسته و حتی برخی نیز تغییر آن را تحریم کرده‌اند. میان رسم المصحف و رسم الخط معمولی که متون عربی با آن نوشته می‌شود، در برخی از کلمات تفاوت‌هایی چند وجود دارد.

واژگان کلیدی

رسم الخط، رسم الاملاء، قرائت، مصحف، خط.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۱/۷

نشانی پست الکترونیک نویسنده: a.tafrihi@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های نگارشی قرآن کریم، پوشش الفاظ و کلمات آن به وسیله حرکات و علایمی است که به منظور سهولت قرائت وضع شده‌اند. وجود این حرکات و علایم در جهت قرائت صحیح آیات الهی، مخصوصاً برای فارسی‌زبانانی که در ابتدای راه آموزش قرائت قرآن هستند، بسیار نقش‌آفرین است. با اعمال این شیوه در نگارش کلمات قرآن، قاعدتاً می‌بایست نه تنها فارسی‌زبان‌ها، بلکه هر قاری عرب و یا غیر عربی بتواند به آسانی متن آیات الهی را به صورت صحیح قرائت نماید؛ اما عملاً این گونه نیست. سؤالی که پیش می‌آید، این است که چه عامل یا عواملی سبب بروز چنین مشکلی می‌گردند.

اگر رسم الخط زبان عربی، عامل به وجود آورنده این اشکال باشد، حد اقل برای خود عرب‌زبان‌ها نباید این امر موضوعیت داشته باشد. در حالی که همان مشکلی که برای یک فارسی‌زبان مطرح گردید، برای یک عرب‌زبان - البته با شدت کمتری - در امر قرائت قرآن مشاهده می‌گردد. بنابر این، نگارش خاص کلمات عربی نمی‌تواند عامل اصلی و منحصر به فرد این امر باشد.

مقایسه رسم الخط معمولی زبان عربی با رسم الخط قرآن، نشان می‌دهد که میان این دو رسم الخط در نوشتن پاره‌ای از کلمات اختلافاتی وجود دارد. شاید یکی از عوامل اصلی دخیل در بروز اشکال فوق را بتوان مربوط به نگارش خاص برخی از کلمات قرآن دانست که موجب پیدایش تفاوت‌هایی میان نگارش مرسوم و رسم الخط قرآن شده است. هنگامی که سخن از این تفاوت‌ها به میان می‌آید، سؤالات متعددی را برای اذهان تیزبین در پی می‌آورد؛ ریشه این تفاوت‌ها در چیست؟ دامنه این تفاوت‌ها تا چه حد است؟ تا چه اندازه نگارش غیر معمول برخی از کلمات قرآن را می‌توان به اشتباهات املائی برخی از نویسندگان اولیه مصاحف استناد داد؟ آیا زیادت و یا حذف برخی از حروف از پاره‌ای از کلمات قرآن را می‌توان با ادعای رمز و راز دار بودن این زیادت‌ها و حذف‌ها توجیه کرد؟ صرف نظر از علت امر، آیا جایز است کلمات قرآن را به رسم الخط امروزی نوشت؟ این‌ها سؤالاتی است که این مقاله در پی آن است که پاسخ آنها را تا حد امکان روشن سازد.

۲- حرکت‌گذاری و نقطه‌گذاری قرآن

مصاحف قرآنی که در ابتدا با خط کوفی نوشته می‌شد، خالی از هرگونه علایم و حرکات بود؛ حروف نقطه نداشتند و مشابهت حروف، قرائت قرآن را با دشواری روبه‌رو می‌کرد. ابتدایی بودن خط و تعدد لهجه‌ها نیز باعث شده بود تا زمینه اختلاف قرائت در قرآن به وجود بیاید (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۱۴-۱۸). از این رو، حکومت تصمیم گرفت برای جلوگیری از اختلافات بیشتر در قرائت قرآن، چاره‌ای بیاندیشد. حاکم کوفه مسئولیت این کار را به ابوالاسود دوئلی (۶۹ ق) از شاگردان حضرت علی (ع) سپرد.

ابو الاسود بر آن شد که قرآن را اعراب‌گذاری نماید. او برای نشان دادن اعراب کلمات از نقطه استفاده کرد (معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۹۱). بعد از ابوالاسود، دو تن از شاگردان وی، به نام های یحیی بن یعمر عدوانی (۱۲۹ ق) و نصر بن عاصم لیثی (۸۹ ق) اقدام به اعجام و نقطه‌گذاری حروف متشابه قرآن کردند. آن دو برای آن که میان نقطه‌های «اعرابی» ابوالاسود و نقطه‌های «اعجمی» اشتباهی رخ ندهد، نقطه‌های اعرابی را با رنگ قرمز و نقطه‌های اعجمی را به رنگ دیگری مشخص کردند (زنجانی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۵). پس از چندی نیز خلیل بن احمد فراهیدی (۱۷۵ ق) نقطه‌های اعرابی را با وضع علائم جدیدی از نقطه‌های اعجمی متمایز ساخت. او برای نشان دادن نقطه‌های اعرابی، علائمی را به کار برد که امروز برای فتحه و کسره و ضمه (ـَ) و تنوین (ـً) به کار می‌روند (دانی، ۱۴۰۵، ص ۹).

۳- انواع رسم الخط

به طور کلی رسم الخط بر دو نوع است:

۱-۳- رسم الاملاء: که در آن کلمات، مطابق با تلفظ و نطق نوشته می‌شوند (مگر در

برخی موارد استثنائی).

۲-۳- رسم المصحف: این نوع رسم الخط در حقیقت همان «نگارش خاص کلمات قرآن» است و از آن به «رسم عثمانی» نیز تعبیر می‌شود (تفکری، ۱۳۸۵، ص ۷۶). منشأ این نوع از رسم الخط، مصحف عثمانی است که در زمان عثمان جمع‌آوری و نوشته شد (الکردی، ۱۳۶۵، ج ۱ ص ۳).

۴- رسم المصحف توقیفی است یا اجتهادی؟

در باره توقیفی بودن و یا نبودن رسم المصحف، دانشمندان با یکدیگر اختلاف نظر دارند؛ عده‌ای که به آداب و رسوم گذشته سخت پای‌بند بوده‌اند، تصور کرده‌اند که رسم الخط قرآن به دستور خاص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و نویسندگان اولیه دخالتی در نحوه نوشتن کلمات نداشته‌اند و در پس این ناهمگونی‌های نوشتاری، سری پنهان و حکمتی نهفته است که جز خدا، کسی از آن آگاه نیست (معرفت، ۱۴۱۷، ج ۱ ص ۳۸۱). به عنوان مثال، زیادت الف در «لاذبحنه» را دلیل بر عدم وقوع ذبح و زیادت «یا» در «والسما بنیناها باید» به جهت تمایز میان «اید» به معنای قوت و نیرو و «اید» جمع ید و برای اشاره به عظمت قدرت الهی دانسته‌اند (زرکشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۳۸۷).

در مقابل این گروه، عده‌ای دیگر معتقدند که رسم الخط قرآن توقیفی نیست و توجیهاات فوق را ادعاهایی بی اساس و گفتاری تحکم‌آمیز می‌دانند (ابن خلدون، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹).

از سوی دیگر، در برابر این سؤال که: «آیا می توان رسم الخط عثمانی را تغییر داد یا خیر؟» علما و دانشمندان به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۱-۴- عدم جواز تغییر: این گروه، اصلاح رسم الخط قرآن را [حتی با علم به اشتباه املائی از سوی کاتبین] جایز نمی‌دانند. دلیل این گروه، جلوگیری از هرگونه تحریف در قرآن است. احمدبن حنبل، مالک و بیهقی از متقدمین (زرکشی، ۱/۳۷۷/۳۷۹) و استاد حسن‌زاده آملی و مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی از متأخرین، تابع این نظریه هستند. (جوان آراسته، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷۷). مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی در این باره می‌گوید: «در امری مانند قرآن در حفظ آنچه که از قدما به ما رسیده است، باید جانب تشدید را رعایت نمود تا مبادا در آن تحریفی صورت گیرد» (خمینی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۴۵۳).

۲-۴- جواز تغییر: این گروه معتقدند که اصلاح قرآن بر طبق قواعد رسم الخط و عدول از رسم عثمانی در کلماتی که اشتباه ضبط گردیده است، جایز است. قاضی ابوبکر باقلانی، ابن خلدون، عزالدین عبدالسلام و دکتر صبحی صالح از پیروان این عقیده‌اند (همان و قابل، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵).

۵- علل اختلاف رسم المصحف با رسم الاملاء

یکی از دلایل قطعی و تردید ناپذیر علت وجود تفاوت میان رسم المصحف با رسم الخط املائی، متأثر بودن خط کوفی از سایر خطوط است. به عنوان نمونه، به جهت آنکه خط کوفی از خط سریانی نشأت گرفته بود، تحت تأثیر آن خط، الف در وسط کلمه نوشته نمی‌شد. دلیل دیگر تفاوت رسم المصحف با رسم الاملاء، عدم آشنایی و تسلط عرب به فنون خط و روش‌های کتابت، در آن زمان بوده است. جز تعداد کمی از آنان نوشتن نمی‌دانستند و خطی را هم که این عده اندک بدان می‌نوشت‌اند، خطی ابتدایی و در حد بسیار پایین و اولیه بوده است. آثار باقی مانده از صدر اول، این موضوع را نشان می‌دهد (ابن خلدون، بی تا، ۴۳۸).

۶- تفاوت های رسم المصحف با رسم الاملاء

چنانکه گذشت، مراد از رسم المصحف نگارش برخی از کلمات قرآن توسط صحابه به شکل مخصوصی است که با قواعد کتابت امروزی مطابقت ندارد که این تفاوت‌ها را در موارد زیر می‌توان خلاصه نمود: حذف، زیادت، ابدال، وصل (موصول)، فصل (مقطوع) (الکردی، ۱۳۶۵هـ، ۹۴).

در اینجا به شرح و توضیح و ذکر نمونه هایی برای هر مورد می‌پردازیم:

۱-۶- قسمت اول: حذف

در رسم عثمانی کلمات زیادی مشاهده می‌گردد که از آن‌ها حرفی حذف گردیده است. در مجموع، حروف محذوفه عبارتند از: «الف، یاء، واو، لام و نون».

حذف الف :

موارد حذف الف عبارتند از:

۱- حذف الف از جمع مذکر سالم:

طبق قواعد رسم المصحف، الف در جمع مذکر سالم نوشته نمی‌شود؛ نمونه‌هایی از

حذف الف در اسم های جمع مذکر سالم:

الصَّادِقِينَ [الصَّادِقِينَ] (آل عمران/۱۷) خَلْدُونَ [خَالِدُونَ] (بقره/۲۵)
سَمْعُونَ [سَمَاعُونَ] (مائده/۴۲) السَّاجِدِينَ [السَّاجِدِينَ] (اعراف/۱۱)

۲- حذف الف از جمع مؤنث سالم:

المُسْلِمَاتِ [المُسْلِمَاتِ] (احزاب/۳۵) جَنَّتِ [جَنَّتِ] (بقره/۲۵)
الْأَمْنَتِ [الْأَمَانَاتِ] (نساء/۵۸) الْبَقِيَّتِ [الْبَاقِيَّاتِ] (کهف/۴۶)

۳- حذف الف از جمع مکسر:

المَسَاكِينِ [المَسَاكِينِ] (بقره/۱۷۷) ظَلَّلُ [ظَلَالِ] (رعد/۱۵)
مَسْجِدِ [مَسَاجِدِ] (توبه/۱۷) خَلَّيْفُ [خَلَائِفِ] (انعام/۱۶۵)

۴- حذف الف از ضمیر «نا»:

أَنْزَلْنَاهُ [أَنْزَلْنَاهُ] (انعام/۹۲) أَعْطَيْنَاكَ [أَعْطَيْنَاكَ] (کوثر/۱)
مَكَّنَّاهُمْ [مَكَّنَّاهُمْ] (انعام/۶) زَيَّنَّاها [زَيَّنَّاها] (حجر/۱۶)

۵- حذف الف از «ياء» نداء:

يَا أَيُّهَا [يَا أَيُّهَا] (بقره/۲۱) يَمْرِيْمُ [يَمْرِيْمُ] (آل عمران/۴۲)
يَسْمَاءُ [يَسْمَاءُ] (هود/۴۴) يَمُوسَى [يَمُوسَى] (بقره/۵۵)

۶- حذف الف از «هاء» تنبيه:

هَاتِيْنِ [هَاتِيْنِ] (قصص/۲۷) هَاتِيْمُ [هَاتِيْمُ] (نساء/۱۰۹)
أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ [أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ] (نور/۳۱)

۷- حذف الف از اسامي علم:

اسْحَقُ [اسْحَقُ] (هود/۷۱) سُلَيْمٰنُ [سُلَيْمٰنُ] (نمل/۱۵)
عَمْرٰنُ [عَمْرٰنُ] (آل عمران/۳۳) اِسْمَاعِيْلُ [اِسْمَاعِيْلُ] (ص/۴۸)

۸- حذف الف از سایر کلمات:

الف) کلماتی که هجای آنها تغییر نکرده (به جای الف حرف دیگری قرار نگرفته

است):

خَلَقَ [خَلَقَ] (بقره/۵) سُلْطٰنُ [سُلْطٰنُ] (اعراف/۷۱)

سَلَمَ [سَلَمَ] (یس/۵۸) عَلَمَ [عَلَمَ] (آل عمران/۴۰)

ب) کلماتی که الف ممدوده آن‌ها حذف شده و در عوض «و» و «الف» به آنها اضافه شده است. (این کلمات اختلافی است و در مصحف به هر دو شکل آمده است):

اَبْنٰوُ [اَبْنٰوُ] (مائده/۱۸) اَنْبِاُ [اَنْبِاُ] (انعام/۵)

اَلْبَلٰوُ [اَلْبَلٰوُ] (صافات/۱۰۶) نَشَاُ [نَشَاُ] (هود/۸۷)

ج) کلماتی که «الف جمع» از آنها حذف گردیده است:

جَاوُ [جَاوُ] (آل عمران/۱۸۴) بَاوُ [بَاوُ] (بقره/۹۰)

فَاوُ [فَاوُ] (بقره/۲۲۶) سَعَاُ [سَعَاُ] (سبأ/۵)

حذف یاء:

در قرآن کریم کلمات متعددی مشاهده می‌شود که بدون «یاء» نوشته شده‌اند.^۲ برخی از این کلمات عبارتند از:

اِبْرٰهٖمَ [اِبْرٰهٖمَ] (بقره/۱۲۴) اِلْفَهٗمَ [اِلْفَهٗمَ] (قریش/۲)

اَلْحَوَارِیْنَ [اَلْحَوَارِیْنَ] (صف/۱۴) رَبَّانِیْنَ [رَبَّانِیْنَ] (آل عمران/۷۹)

حذف واو:

یَسْتَوُنَّ [یَسْتَوُنَّ] (توبه/۱۹) اَلْغَاوُنَّ [اَلْغَاوُنَّ] (شعراء/۹۴)

یَدْعُ اِیْدَعُوْا [اِسراء/۱۱] سَنَدْعُ [سَنَدْعُوْا] (علق/۱۸)

حذف لام:

اَللَّیْلِ [اَللَّیْلِ] (یس/۴۰) اَلَّتِی [اَلَّتِی] (نساء/۲۳)

اَللَّیْلِ [اَللَّیْلِ] (طلاق/۴) اَللَّذٰنِ [اَللَّذٰنِ] (نساء/۱۶)

حذف نون:

حذف نون فقط در یک کلمه آمده است:

نُجِی [نُجِی] (انبیاء/۸۸)

۲-۶- قسمت دوم: زیادت

حروفی که معمولاً به صورت زاید، بر بر برخی از کلمات عارض شده‌اند، عبارتند از: «الف»، «یاء» و «واو».

زیادت الف:

کلماتی که با زیادت الف در قرآن آمده است اختلافی است؛ یعنی در بعضی از سوره‌ها با زیادت الف و در بعضی از سوره‌ها بدون الف ضبط شده‌اند، نمونه‌هایی از موارد زیادت الف:

لِشَآءٍ [لِشَآءٍ] (کهف/۲۳) لٰكِنَّا [لٰكِنَّا] (کهف/۳۸)

لَاذُبْحَنَهُ [لَاذُبْحَنَهُ] (نمل/ ۲۱)

زیادت یاء:

أَفَايِنُ [أَفَايِنُ] (آل عمران/ ۱۴۴) نَبِيَّي [نَبِيَّي] (انعام/ ۳۴)
بَايِّيْكُمْ [بَايِّيْكُمْ] (قلم/ ۶) بَايْيِدٍ [بَايْيِدٍ] (ذاریات/ ۴۷)

زیادت واو:

سَأُورِيكُمْ [سَأُورِيكُمْ] (اعراف/ ۱۴۵)

۳-۶- قسمت سوم: ابدال

منظور از ابدال در اینجا تبدیل شدن یک حرف به حرف دیگر در کتابت است. موارد ابدال عبارتند از:

الف) ابدال «الف» به «واو»:

الصَّلَاةُ [الصَّلَاةُ] (حج/ ۷۸) الزَّكَاةُ [الزَّكَاةُ] (نور/ ۳۷)
بِالْغَدَاةِ [بِالْغَدَاةِ] (انعام/ ۵۲) مَنَاءُ [مَنَاءُ] (نجم/ ۲۰)

ب) ابدال «الف» به «ياء»:

بُشْرِيكُمْ [بُشْرِيكُمْ] (حدید/ ۱۲) ضُحَاهَا [ضُحَاهَا] (نازعات/ ۲۹)
دَعْوِيهِمْ [دَعْوِيهِمْ] (اعراف/ ۵)

ج) ابدال «ياء» به «الف»:

بر طبق املاي معاصر، كلمات ناقص (كلماتي كه لام الفعل آنها «يا» و يا «واو» است) كه در اولين صيغه ماضی آنها در اثر اعلال، حرف ناقص به الف منقلب می‌شود، در رسم الخط باید به الف مقصوره «ی» نوشته شوند. اما در برخی از موارد در رسم المصحف بر خلاف این اصل عمل شده است. مانند:

طَغَا [طَغَا] (حاقه/ ۱۱) رَاءِ [رَاءِ] (هود/ ۷۰)
تَرَاءِ [تَرَاءِ] (شعراء/ ۶۱) نَسَا [نَسَا] (اسراء/ ۸۳)

د) ابدال «ة» به «ت»:

رَحْمَتِ [رَحْمَتِ] (بقره/ ۲۱۸) نَعَمَتِ [نَعَمَتِ] (نحل/ ۷۲)
سُنَّتِ [سُنَّتِ] (انفال/ ۳۸) شَجَرَتِ [شَجَرَتِ] (دخان/ ۴۳)

ه) سایر موارد:

ابدال نون تأکید خفیفه به تنوین:

لِيَكُونَا [لِيَكُونَا] (یوسف/ ۳۲) لَنْسَفَعَا [لَنْسَفَعَا] (علق/ ۱۵)

۱- ابدال تنوین به نون:

كَأَيِّنْ [كَأَيِّنْ] (یوسف/ ۱۰۵)

۲- ابدال «س» به «ص»:

يَيْصُطُ [بَيْسُط] (بقره/۲۴۵) بِمُصَيِّطِرٍ [بِمُصَيِّطِر] (غاشیه/۲۲)
بَصْطَةً [بِسْطَةً] (اعراف/۶۹)

۴-۶- مقطوع

منظور از مقطوع کلماتی هستند که باید به صورت متصل (سرهم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شده‌اند.

کلماتی که در قرآن به صورت مقطوع ضبط گردیده‌اند، عبارتند از:

فَمَالِ هَؤُلَاءِ [فَمَا لِهَؤُلَاءِ] (نساء/۷۸) فَمَالِ هَذَا الرَّسُولِ [فَمَا لِهَذَا الرَّسُولِ]
(فرقان/۷)

فَمَالِ هَذَا الْكِتَابِ [فَمَا لِهَذَا الْكِتَابِ] (کهف/۴۹) فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا [فَمَا
لِلَّذِينَ كَفَرُوا] (معارج/۳۶)

۵-۶- موصول

منظور از موصول کلماتی هستند که باید به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت متصل (سرهم) نوشته شده‌اند. کلمات موصول را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱- کلماتی که به علت رابطه صوتی، متصل نوشته شده‌اند. این نوع از اتصال معمولاً در موضع ادغام صورت می‌گیرد. مانند:

مَمَّا [مَنْ مَا] (بقره/۳) فَالْمَ [فَأَنْ لَمْ] (هود/۱۴)
أَمَّنْ [أَمْ مَنْ] (نمل/۶۰) أَلَنْ [أَنْ لَنْ] (قیامه/۳)

۲- کلماتی که بدون داشتن رابطه صوتی، متصل نوشته شده‌اند:

فِيْمَا [فِي مَا] (بقره/۱۱۳) أَيْنَمَا [أَيْنَ مَا] (نحل/۷۶)
بِسْمَا [بِسْمَ مَا] (اعراف/۱۵۰) يَبْنُوْنَ [يَابْنَ أُمَّ] (طه/۹۴)

نتیجه

یکی از عواملی که از دیرباز تا کنون باعث دشواری قرائت قرآن برای بسیاری از مسلمانان علاقه‌مند به تلاوت آیات هدایت‌بخش الهی بوده است، نگارش خاص برخی از کلمات قرآن و به عبارتی، اختلاف رسم المصحف با رسم الخط معمولی می‌باشد. التزام به رسم المصحف در گذشته به جهت امکان وقوع تحریف در قرآن، امری لازم و ضروری می‌نمود. اما با توسعه علوم و فنون حفظ و نگهداری اسناد و مکتوبات و انتفای امکان تحریف قرآن به آن‌گونه که بتوان قرآن محرف را به عنوان قرآن منزل از جانب خدا در اذهان و قلوب مسلمانان القا کرد، جا دارد امکان نگارش قرآن با رسم الخط معمولی زبان عربی از سوی علمای اعلام و محققان علوم قرآنی مورد بررسی مجدد قرار گیرد. در

صورت نبودن هیچ محذوری، این ایده جامه عمل پوشد و راه برای بهره‌مندی هر چه بیشتر مسلمانان از فیوضات چشمه‌ی هدایت و رحمت الهی فراهم گردد.

یادداشت‌ها

- ۱- باید توجه داشت الف کوچکی که به جای الف بزرگ بر روی برخی حروف نوشته می‌شود، در دوره‌های متأخر به جهت حفظ رسم المصحف و سهولت قرائت درج گردیده است.
۲. لازم به ذکر است که متأخرین، به جهت حفظ رسم المصحف و سهولت قرائت، یای محذوفه را، یایمعکوسه کوچکی (ے) نشان می‌دهند.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (بی تا)، تاریخ ابن خلدون، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳. تفکری، حسین (۱۳۸۵ش)، پژوهشی در رسم المصحف، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ اول.
۴. جوان آراسته، حسین (۱۳۷۸ش)، درسنامه علوم قرآنی، سطح ۱، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم.
۵. خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ق)، تفسیر القرآن الکریم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۶. دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید (۱۴۰۵ق)، المحکم فی نقط المصاحف، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۷. زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۳۷۷ق)، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، چاپ اول.
۸. زنجانی، ابو عبدالله (۱۴۱۰ق)، تاریخ القرآن، تحقیق: محمد عبدالرحیم، دمشق، دارالحکمه.
۹. قابل، هادی (۱۳۷۶ش)، رسم الخط قرآن کریم، فصلنامه بینات، ش ۳.
۱۰. الکردی، محمد طاهر (۱۳۶۵ق)، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، جده: مطبعه الفتح.
۱۱. معارف، مجید (۱۳۸۳ش)، درآمدی بر تاریخ قرآن، تهران: انتشارات نبأ.
۱۲. معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ش)، علوم قرآنی، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی التمهید و سمت.
۱۳. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۷ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.